

# نویسد

(فوق العاده)

(وابسته به حزب توده ایران)

شماره ۱۸، یکشنبه ۴ بهمن ماه ۱۳۵۶

## قتل عام ده ها آزادیخواه در تبریز

نظارت مستقیم نظامی دهها هزار مستشار و کارشناس یانکی به ستوه آمده اند، در هر فرصت و به هر بهانه، ناراضی و خشم و اعتراض خود را بروزی دهند و این روند ارتجاعی و ضد ملی و ضد دموکراتیک را محکوم می کنند. مراسم عزای چهارمین روز شهادت مبارزان آزادی قم، میدان مناسی بود تا باروت ایمن احساسات انباشته شده در دلها، منفجر شود. و چنین شد. جمعی از شخصیت های آزادیخواه و علمای مذهبی تبریز از چند روز قبل طی اعلامیه هایی، روز شنبه ۲۹ بهمن ماه را روز عزای عمومی اعلام کرده بودند. این پاسخ خاموش و کوبیای خلق به جلا بود، چراکه نظیر چنین اعلامیه هایی در اکثر شهرهای ایران پخش شد و از صبح دیروز تظاهرات اعتراضی و نمایشات محکوم کننده توده ها بایسته شدن بازارها و دکاکین در بسیاری از شهرها و به راه افتادن سیلی از مشت های گره کرده و چهره های برافروخته و رزمجو در بر تو شعله های هیجان انگیز شعارهای آزادی، خیابانها را فراگرفت.

تبریز با طلوع آفتاب، به پیشباز طلوع قیام رفت. زن و مرد، پیر و جوان و حتی کودکان، در خیابانها سرازیر شدند. موج های هم پیوسته و سیلاب ها به رودهای خروشان ریختند که معابر را در می نورید و در رگهای شهر با سیلان و تلاطم پیشش می رفت.

خبر نگاران "نوبد" که در میان این سیل به هیجان در آمده عزاداران و عاصیان استیداد بودند، گزارش داده اند:

— نخست هزاران نفر بودند، ساعت ۹ صبح به دهها هزار تن سر زدند، و ساعتی بعد این جنگل روینده انسانی به تمام شهر سایه انداخت، شکوه قیام و نوبد...

خبرنگاران "نوبد" که دوش به دوش مردم در جهاد خونین و دشتناک آنان طی بیش از ۱۰ ساعت ستیز جانانه با تفنگ ها و سپر تانکها و مسلسل ها شرکت داشتند، لحظات حماسه وار این روز تاریخی، را که سرانجام به مرثیه ای قهرمانی بدل شد، ثبت کرده اند. آنها می نویسند:

— شعارها تند و آتشین بود و اکثر آنها بر دیکتاتور و دیکتاتوری می تاخت. مردم مجازات قاتلان شهدای قم را می خواستند، آزادی زندانیان سیاسی را آواز می دادند و بازگشت آیت الله خمینی را به مرثیه ای قهرمانی بدل شد، ثبت مرفی با دار و دسته استیدادی می طلبیدند. پلیس به خاطر

دیروز رژیم شاه خون شهدای قم را با خون شهدای تبریز شست. دیروز یک بار دیکر دولت مدعی مشروطه، فرزندان ستارخان و باقر خان و علی مسیو و حیدر عمو افلی را در قلب سنگر مشروطیت ایران به خاک و خون کشاند. دیروز کوجه ها و خیابانها را بیادین شهر قهرمان تبریز، میدان جنگ تن به تن مردم باتانک ها و مسلسل ها بود و شعارهای آزادی چون دشتی از شقایق و گل سرخ، در توفان عزم و عصیان مردم که شهر قهرمان را برانگیخته بود، شکفت و بر پر شد.

قتل عام بی شرمانه ده ها تن از مردم آزادیخواه تبریز، درست چهل روز پس از حمام خونی که در خییمان حکومتی در قم برپا کردند، نشان داد که بین خلق های ما و رژیم از رک و ریشه فاسدی که بختک وار به روی میهن ما افتاده، جز گور هزاران شهید و سلسله جبال از خشم و خصومت و ستیز، هیچ رشته و پیوندی وجود ندارد. چنین رژیمی که عروسک وار سرخ های اراده اش به انگشت های امپریالیسم جهانخواه بسته است، مدتهاست که مشروعیت خود را از دست داده و باخالی شدن از محتوای مشروطیت و ضدیت عربیان با موازین و اصول آن، قانونیت خویش را نیز حتی در محدوده تنگ طبقاتی خود از دست داده است.

قتل عام بی بند و بار و بی مسئولیت تبریز یک بار دیگر ابعاد وحشت انگیز خصلت ضد مردمی و درنده خویی بی حد و موزرژیم شاه— ساواک را به روشنی بر ملا کرد و نشان داد که اگر نیاز های هستی کرم خورده دار و دسته دیکتاتور اقتضاکند، کشتار همه آزادیخواه بی دفاع در تبریز می تواند تا کشتار ده ها هزار و حتی فراتر از آن، تا ایجاد کورستانهای عمومی در پهنای سرزمین زیر مهیمن ما امتداد یابد.

فاجعه به خون و حماسه آبیخته و آموزنده تبریز، از صبح دیروز با تظاهرات عمومی مردم در اماکن و مساجد و معابر عمومی آغاز شد. این تظاهرات آمیزه ای از سوگواری برای شهدای قم و اعتراضی به شرایط اختناق و استبدادی حاکم بر ایران بود. توده ها که از خود سری های لگام کسبخته و فساد و کندی گسی درونی رژیم و وابستگی های روز افزون نظامی، اقتصادی و سیاسی آن به امپریالیسم جهانی و غارت بی رویه و حیف و میل فزاینده ثروت های ملی که از این رهگذر بر کشور ما تحمیل میشود و نیز به بر باد رفتن استقلال کشور در تهاجم سیاسی و امنیتی و